ادامه از صفحه اول

بیژن و منیژه(۹)

بیژن در پاسخ گفت می‌خواهد در کنار رستم باشد تا اندکی از بسیاری رنجی که افراسیاب بدو داده، پاسخ گوید. رستم، اشکش را با بنه روانه کرد و از او خواست تا منیژه را نیز با خود ببرد و همه آسایش و آرامش او را فراهم آورد. رستم و هفت سوار چابک و شمشیرزن او تا درگاه افراسیاب بتاختند که در آن‌گاه، افراسیاب در خواب شیرین شبانه خود بود و به ناگاه بر نگهبانان درگاه بتاختند و باران تیر بود که بر آنان روانه گردید و بسیار تن‌ها که بی‌سر گردید و بسیار سرها که بی‌تن؛ زمین درگاه شاه توران رنگ سرخ خون به خود گرفت. رستم وارد کاخ شده، افراسیاب را فریاد زد: «چرا تو را خواب نوشین باشد آن‌گاه که بیژن را این‌گونه به رنج افکنده‌ای و خواب از چشمان او ربوده‌ای؟ من، رستم زابلی هستم، پور زال و برآنم که آرامش خواب را از تو بستانم. من همانم که بیژن را از آن همه رنج برهاندم. آیا ریختن خون سیاوش کافی نبود که اندیشه کشتن بیژن را در سر پروراندی؟» و بیژن نیز خروش برآورد: «ای تورانی بدگوهر تیره‌هوش، اکنون برآنم تا روزگارت را به سیاهی بنشانم. تو آن ناپاک مردی که مرا دست‌وپای‌بسته به رزم خواندی، اکنون که گشاده دست و پا هستم، خود را بنمای تا نبرد مردان را ببینی». افراسیاب بیم‌زده از خواب برخاست، تن را به جامه خویش بیاراست و به نگهبانان خوابگاه فرمان داد راه بر مهاجمان ببندد و از هر سوی خروشی برخاست و محافظانش صف در صف در برابر خوابگاه افراسیاب ایستادند، به دفاع از جان شهریارشان. رستم چون به خوابگاه افراسیاب نزدیک شد، هر آن کس را که در پیش روی خویش بدید، با ضربت گرز گاوسر از پای افکند. رستم چون دیگر مقاومتی در برابر خویش ندید، به کاخ وارد شده، همه فرش و دیبای کاخ شهریاری را میان همراهان خود پخش کرد و هر آنچه گران‌بها بود، برگرفت و گفت: «بر آن است آن کاخ را بر سر افراسیاب آوار گرداند». افراسیاب بیم‌زده و دل‌شکسته از پیش نگاه رستم پنهان شد و جست‌وجوی رستم برای یافتن افراسیاب بی‌ثمر ماند و با هفت پهلوان خویش به اردوگاه بازگشت. منیژه در خیمه‌ای نشسته بود و پرستندگان و پرستارانی چند او را به نوازش سخن می‌گفتند و می‌کوشیدند خار اندوه را که نه در پای او که در قلبش خلیده بود، بیرون کشند و به راستی که رسم سپنجی‌سرای چنین است؛ گاه رنج و درد است و گاه نوش و شهد. دیگر روز آن‌گاه که خورشید از فراز کوه چون سکه‌ای مسین چهره نمود، افراسیاب به سپاه فرمان داد آماده مقابله با مهاجمان شوند. بزرگان توران کمرها بربسته، به پیشگاه شاه توران بیامدند و افراسیاب گفت: «دانستید با من چه کرده‌اند؟ دیگر از اندازه بگذشته که دشمن آن‌چنان جسور شده که تا خوابگاه من ورود کند. از این پس همگان خواهند گفت آن روز که بیژن از چاه رهانیده شد، کاخ افراسیاب نیز ویران گردید و نمی‌توان آسان از این ننگ گذشت. در ایران دیگر کسی ما را در شمار نخواهد آورد». و آشفته‌حال و پلنگ‌سان یاران خود را گفت آماده نبرد شوند. افراسیاب به پیران فرمان داد بر پشت پیلان کوس بربندند و نای رویین به درگاه شاه آورند. یلان توران‌زمین نیز به جوش و خروش آمدند و آوای کرناها، گوش فلک را کر گرداند و سپاه توران که به‌تازگی از حضور ایرانیان در بیشه‌زارهای پیرامون توران آگاه شده بود، به سوی ایرانیان تاختن گرفت. دیده‌بانان سپاه ایران از فرازجایی مشاهده کردند که زمین چون دریایی خروشان، مواج گشته است و رستم را از نزدیک‌شدن سپاه توران آگاه کردند. رستم سپاه خود را آرامش خاطر داد که ما از اینان بیمی به دل نداریم و چنان آنان را درهم شکنیم که هرگز دیگر به نبرد نیندیشند. رستم خود بر آن فرازجای برفت و سپاه دشمن را بدید و چون شیر ژیان خروشی برآورد و به پهلوانان خود گفت: «امروز روز ننگ و نبرد فراز آمده است و زمان آن است که تیغ و ژوبین و نیزه و گرز گاوسار را به کار گیرید و همه هنر خویش را پدید آورید». و فرمان داد کرناها به فریاد آیند و خود بر پشت رخش جای گرفت و به سوی هامون تاخت و پهلوانان سپاهش در پس و پشتش تیز بشتافتند و چون دو سپاه در هامون روباروی یکدیگر قرار گرفتند، رستم سپاه خویش را بیاراست آن چنان که از گرد سم اسبان آسمان سیاه رنگ شد. اشکش و گستهم را در جناح راست سپاه و رهام و زنگه شاوران را بر جناح چپ گمارد و خود در کنار بیژن و گیو در قلب سپاه بایستاد و با این شیوه صف‌آرایی، گویی پشت سپاه ایران به کوه بیستون بود و پیشاپیش‌شان حصاری از شمشیرها و گرزهای گران. افراسیاب چون سپاه ایران به فرماندهی رستم را بدید، غمی بر دلش بنشست و فرمان داد سپاه توران از پیشروی بازماند، می‌دانست دیگر شتاب‌ورزیدن با شکست و ننگ یکی است، پس به آرایش سپاه خویش پرداخت؛ چپ لشکر را به پیران و راستش را به هومان سپرد و برادرش، گرسیوز و شیده، فرزند دلاورش را در قلب سپاه نشاند. تهمتن از پیرامون سپاه خویش دیدن کرد و آنان را چون کوهی از آهن بدید و آن‌گاه افراسیاب را خطاب قرار داده، فریاد برآورد: «ای شوریده‌بخت، تو ننگی بر این تاج و تخت».

چو افراسیاب آن سپه را بدید/ که سالارشان رستم آمد پدید/ غمی گشت و پوشید خفتان جنگ/ سپه را بفرمود کردن درنگ/ برابر به آیین صفی برکشید/ هوا نیلگون شد زمین ناپدید/ چپ لشکرش را به پیران سپرد/ سوی راستش را به هومان گرد /به گرسیوز و شیده قلب سپاه/ سپرد و همی کرد هر سو نگاه.

روحانی و جهانگیری با خاتمی، ناطق‌نوری، باهنر و لاریجانی جلساتی داشته‌اند

اصلاح‌طلبان در آستانه تشکیل دولت در سایه

علیزاده‌طباطبایی: احزاب اصلاح‌طلب درصدد تشکیل دولت در سایه هستند

عکس: احسان قلمچی، شرق

شرق: چندی پیش که خبر دیدار سیدمحمد خاتمی، علی‌اکبر ناطق‌نوری، حسن روحانی و سیدحسن خمینی به گوش رسید، همه گمانه‌زنی‌ها به این سمت رفت که آیا این جمع و البته دیگر اصلاح‌طلبان بنای ترمیم تشکیلاتی خود و احیانا برنامه‌ریزی برای انتخابات‌های آینده را دارند یا خیر که جواد امام، از نزدیکان خاتمی، گفت این دیدارها صرفا دیدوبازدید است و نباید آنها را انتخاباتی دانست و حتی گفت ناطق‌نوری اصلاح‌طلب نیست و او «یک اصولگرای باسابقه و میانه‌رو» است. حالا اما سیدمحمود علیزاده‌طباطبایی، از اعضای حزب کارگزاران سازندگی، خبر داده است روحانی در روزهای اخیر با شخصیت‌هایی مانند ناطق‌نوری، خاتمی، باهنر و لاریجانی جلساتی داشته است و آنکه او می‌گوید قرار است این جلسات به تشکیل دولت در سایه ختم شود: «آقای روحانی در روزهای اخیر با آقایان ناطق‌نوری، خاتمی، باهنر و لاریجانی جلساتی داشته است. سران اصلاحات می‌خواهند جمهوریت نظام را احیا کنند. اسحاق جهانگیری هم در جلسات روحانی با سران اصلاحات حضور دارد و همفکری می‌کند. همتی و اسحاق جهانگیری با کارگزاران در ارتباط هستند و موضوعاتی را در زمینه‌های مختلف مورد بحث و بررسی قرار می‌دهند». او همچنین خبر از دیدارهای اخیر محسن هاشمی‌رفسنجانی با روحانی و لاریجانی داده و گفته است که به‌زودی سیدحسین مرعشی نیز جلسه‌ای را با آقای روحانی خواهد داشت و احزاب همگی دولت در سایه هستند. جلسات مشترکی را درخصوص تشکیل دولت در سایه داشته‌ایم و صحبت‌هایی شده است. این فعال سیاسی درباره تشکیل دولت در سایه از سوی اصلاح‌طلبان گفته است: «احزاب اصلاح‌طلب درصدد تشکیل دولت در سایه هستند. احزاب برنامه‌ریزی می‌کنند تا دولت را از دست گروهی که بر مسند کار هستند، بگیرند. ماهیت و شاکله احزاب، ایجاد دولت در سایه است تا بتوانند به‌صورت قانونی قدرت را در اختیار بگیرند. احزاب اصلاح‌طلب درحال بازسازی خود و بررسی علت عدم تمایل مردم به حضور پای صندوق‌های رأی هستند. احزاب اصلاح‌طلب اعم از حزب کارگزاران سازندگی و حزب اتحاد ملت، کنگره‌های خود را برگزار کرده‌اند و دبیران کل انتخاب شده و در حال برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری برای مسائل روز هستند. فعالیت احزاب اصلاح‌طلب آغاز شده و تمام کمیته‌ها در زمینه‌های مختلف اعم از اقتصادی شروع به کار کرده‌اند. کمیته اقتصادی احزاب اصلاح‌طلب، مسائل اقتصادی را مورد بررسی قرار داده تا با شناخت نقاط ضعف دولت سیزدهم، پیشنهادهای خود را به دولت ارائه دهند». از این دیدارها چند نتیجه مهم می‌توان دریافت؛ نخست آنکه رسما علی‌اکبر ناطق‌نوری از کنج عزلت بیرون آمده است و بنای حضور جدی در سیاست دارد؛ اویی که پیش از این و در جریان انتخابات مجلس یازدهم که اصلاح‌طلبان به‌طور جدی از او درخواست حضور داشتند، ادامه کناره‌گیری را بر فعالیت سیاسی ترجیح داد و حالا گویا قصد دارد در کنار دیگرانی مانند خاتمی و روحانی تأثیرگذار باشد. دومین موضوع آن است که دیدارها و نشست‌های اخیر، حکایت از نوعی هم‌گرایی میان اصلاح‌طلبان و اصولگرایان کهنه‌کارِ میانه‌رو دارد. از یک‌سو خاتمی در رأس اصلاحات دیده می‌شود و از سوی دیگر ناطق است که روزگاری قطب اصولگرایی بود و دیگر سو شخصیت‌هایی که در سال‌های اخیر مواضعی معتدل داشته‌اند؛ مانند لاریجانی و باهنر و البته حسن روحانی هم به‌عنوان رئیس دولت یازدهم و دوازدهم، انگار پیش‌قدم شده است و خود به دیدار شخصیت‌ها می‌رود. با این وصف، گویا فقط شاهد تحرک سیاسی اصلاح‌طلبان نیستیم و این هم‌گرایی از حالا که دو سال تا انتخابات مجلس و چهار سال تا انتخابات ریاست‌جمهوری زمان داریم، به وجود آمده است. سومین مسئله، هماهنگی ضمنی احزاب اصلاح‌طلب با جلسات اخیر است و احتمال می‌رود نتیجه جلسات در روند فعالیت احزاب بی‌تأثیر نباشد. نکته دیگر و بسیار حائز اهمیت، آن بخش از سخنان علیزاده است که می‌گوید قرار است دولت در سایه تشکیل شود؛ دولت در سایه‌ای که اگر محور بحث شخصیت‌های مذکور باشد و البته احزاب هم با آن همراهی کنند، بی‌تردید جدی‌ترین دولت در سایه در چهار دهه اخیر خواهد بود. البته مشخص نیست آیا اصلاح‌طلبان و نیروهای میانه‌رو صرف همین جلسات هم‌اندیشی را به‌مثابه دولت در سایه در نظر می‌گیرند یا آنکه بنا دارند به‌صورت تشکیلاتی و بر اساس اصول دولت در سایه که نیاز به کارگروه‌های تخصصی در هر زمینه‌ای دارد، فعالیت کنند. طبیعتا اگر قرار باشد صرف همین جلسات دولت در سایه قلمداد شود، احیانا با نسخه‌ای فراتر از آن چیزی که برای مثال سعید جلیلی در هشت سال دولت روحانی مدعی‌اش بود، مواجه نخواهیم شد؛ اما اگر کارکرد دولت در سایه اصلاح‌طلبان و میانه‌روهای اصولگرا، کارکردی تشکیلاتی بوده و بر اساس اصول مدون دولت در سایه باشد، حتما تأثیرگذار خواهد بود. البته این نکته هم گفتنی است که سازوکارهای اجرائی آن در ایران نیز محل بحث و تردید است. برای مثال چندی پیش محمدرضا خباز، فعال سیاسی اصلاح‌طلب گفته بود: «آیا دولت در سایه وجاهت دارد، از نظر بین‌المللی و داخلی و همچنین علم سیاست معنا دارد یا خیر؟ اگر سؤال به این صورت مطرح شود، می‌توان درباره اصل خود دولت سایه صحبت کرد؛ اما درباره اینکه آیا در ایران چنین کاری قرار است صورت بگیرد یا خیر، واقعا مطلع نیستم و هرچه بگویم نوعی گمانه‌زنی و اظهارنظر بی‌پشتوانه است که مبنایی ندارد».

یا آنکه هدایت‌الله آقایی درباره نسبت میان شرایط سیاسی موجود و تشکیل دولت در سایه گفته بود: «طرح‌هایی که مطرح می‌شود، در جبهه اصولگرایان نیز مطرح بود و آقای جلیلی زمانی اعلام کرد دولت در سایه تشکیل می‌دهد. این بحث‌ها در بین اصلاح‌طلبان هم مطرح است. دولت در سایه زمانی مطرح می‌شود که تحزب و چارچوبی دموکراتیک در جامعه حاکم باشد؛ یعنی قدرت احزاب به رسمیت شناخته شود و احزاب آزاد باشند و چون به مردم پاسخ‌گو می‌شوند، باید خودشان را برای دوران انتقال و دوران حاکمیت آماده کنند؛ در غیر این صورت اگر جبهه‌ای برای مدتی خارج از قدرت قرار بگیرد، در آن مدت بین افرادش تقسیم کار می‌کند... دولت در سایه با روح وضعیت فعلی کشور همخوانی ندارد و بیشتر یک مشغولیت داخلی است تا کاری که بتواند تأثیر خود را بگذارد. ما زیاد دیده‌ایم که تشکیل کابینه یک رئیس‌جمهور خارج از کسانی است که او را حمایت می‌کردند و از این‌رو پاسخ‌گویی حزب به مردم وجود ندارد». البته برخی هم نسبت به تشکیل دولت در سایه از سوی اصلاح‌طلبان ابراز خوش‌بینی می‌کنند. برای مثال محمود میرلوحی چندی پیش گفته بود: «اکنون بنیاد باران، آقای خاتمی و دولت او هستند و مجلس‌ششمی‌ها هر ماهه جلسات بسیار مؤثر و خوبی پیش از شیوع کرونا داشتند و عملا کنار قضایا هستند و الان هم باز دولت آقای روحانی و به قول بعضی از دوستان حلقه نیاوران از قبل حزب اعتدال و توسعه را داشتند و می‌توانند با دوستانشان باشند و اطرافیان مرحوم آقای هاشمی و حزب کارگزاران و عملا نیروهای اطراف آقای کروبی و حزب اعتماد ملی نیروهای فعالی در کشور هستند، پس چرا نشود؟ باید بشود و می‌شود. مگر می‌شود نسبت به مسائل بی‌تفاوت بود؟ بالاخره منطق دنیا و روش و شاخص‌هایی که در دموکراسی در کشورهایی که مردم‌سالاری و دموکراسی مطرح است، اساسا تک‌صدایی امکان ندارد و یک مفهوم غریبه و خیلی عجیبی است ولی در کشور ما همه شعار مردم‌سالاری می‌دهیم و در کنار آن متأسفانه نظارت استصوابی را می‌گوییم و نظارت استصوابی هم تا جایی دامنه‌اش را گسترش می‌دهد که آقای لاریجانی هم در آن قرار نمی‌گیرد و آقای جهانگیری و ده‌ها چهره دیگر مثل آقای پزشکیان در مجلس و آقای شریعتمداری و... را رد می‌کنند».

پیش‌تر هم گویا طرح تشکیل دولت در سایه در شورای مرکزی حزب کارگزاران مطرح شده و گفته شده بود که این طرح بر اساس مصوبه کمیته سیاسی برای نقد عملکرد قوا در دستور کار این حزب قرار گرفته است. حالا و با خبر تازه‌ای که علیزاده‌طباطبایی داده است، باید دید دولت در سایه اصلاح‌طلبان با چه شیوه‌ای و در چه سطحی و با حضور رسمی چه شخصیت‌هایی شکل خواهد گرفت و احیانا اگر چنین سازوکاری به وجود آید، مرز انتقاد و پرسشگری را تا چه میزانی پیش می‌برد؟

ضرب الاجل ۶۰ روزه رئیسی برای تهیه لایحه جامع ایرانیان خارج از کشور

صندلی خارج‌نشینان در بهارستان

در لایحه جامع، تشکیل مجلس محلی برای خارج‌نشینان پیش‌بینی شده است

شرق: رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس از «تدوین لایحه جامع ایرانیان خارج از کشور» به دستور رئیس‌جمهور در کارگروه مشترک دولت و مجلس خبر داده است. این اولین بار است که برای تسهیل بازگشت ایرانیان خارج از کشور عزم جدی دیده می‌شود و با روی‌کارآمدن دولت سیزدهم، از تریبون‌های مختلف شاهد دعوت مسئولان برای بازگشت ایرانیان خارج‌نشین بوده‌ایم. نگرانی‌ها از عواقب این انتخاب و ترس از برخوردهای قضائی مانع اعتماد خارج‌نشینان شده و شاید قانون‌گذاری بتواند رویکرد معیوب گذشته را که جز ترس و واهمه برای ایرانیان خارج کشور نداشته، اصلاح کند. هجدهم مرداد بود که شاهد چراغ سبز قوه قضائیه برای بازگشت ایرانیان بودیم و رئیس قوه قضائیه با اشاره به ابراز تمایل برخی ایرانیان مقیم خارج کشور برای بازگشت به وطن و ابراز نگرانی برخی از آنان نسبت به برخوردهای قضائی گفت: هیچ ایرانی‌ای که تبعه ایران و اکنون در خارج از کشور است، ممنوع‌الورود نیست و منعی برای بازگشت به کشور ندارد.

البته وعده نبود منع قانونی برای ورود به ایران نتوانست سبب رفع نگرانی‌ها شود، زیرا آنچه باعث ترس بوده و هست، نگرانی از ممنوع‌الخروجی یا پیگردهای قضائی بابت اتهامات احتمالی سیاسی یا امنیتی بابت سبک زندگی در خارج از کشور یا داشتن تابعیت مضاعف یا سابقه اشتغال در سازمان‌ها و مراکز مختلف غیرایرانی است.

این چالش پابرجاست اما رویکرد مثبت برای تسهیل بازگشت ایرانیان ادامه‌دار مانده است. در این مسیر، فعال‌سازی شورای عالی ایرانیان خارج از کشور که از جمله وعده‌های انتخاباتی رئیس‌جمهور در دوران انتخابات هم بود، در آبان‌ماه با انتصاب وزیر خارجه به‌عنوان جانشین رئیس‌جمهور در این شورا محقق شد. حسین امیرعبداللهیان در همین راستا از «ضرورت تدوین قانون جامع حمایت از ایرانیان خارج از کشور و حل مشکل دوتابعیتی‌ها» سخن گفت که باید به‌زودی برای آن چاره‌اندیشی شود.در سال‌های اخیر حضور و فعالیت دوتابعیتی‌ها در کشور با چالش‌های امنیتی همراه بوده و همین امر بر ترس از بازگشت به ایران افزوده است و تأکید وزیر خارجه بر حل قانونی این مسئله، می‌تواند دورنمای روشنی از عزم دولت برای اعتمادسازی نشان دهد.

در این بین دستگاه قضا در کنار دولت همچنان حامی بازگشت ایرانیان است و رئیس قوه قضائیه بار دیگر در بیست دوم آذر، با بیان اینکه بازگشت ایرانیان خارج از کشور بسیار سودمند و فاقد ضرر است، گفت: «ضروری است اقدامات و کارکردها و اختیارات شورای عالی ایرانیان برای مسئولان بخش‌های مختلف کشور تبیین شود».

حتی کاظم غریب‌آبادی، معاون بین‌الملل قوه قضائیه و دبیر ستاد حقوق بشر درباره بازگشت ایرانیان مقیم خارج از کشور به داخل ایران گفت: «اعلام می‌کنم که ایرانیان خارج از کشور هیچ دغدغه و نگرانی‌ای درباره بازگشت به وطن نداشته باشند». او افزود: «درواقع دو سؤال در ذهن ایرانیان خارج از کشور مطرح است؛ آیا در نظام قضائی کشور برای آنها پرونده قضائی تشکیل شده یا نه، شاکی خصوصی دارند یا نه و اینکه برای آنها قرار تعقیب صادر شده است یا نه؟ هم‌وطنان در کشورهای مختلف می‌توانند به سفارت‌ها و بخش‌های کنسولی آن مراجعه و درخواست خود را ارائه کنند که به معاونت بین‌الملل قوه قضائیه ارسال می‌شود و ما در اسرع وقت آنها را بررسی می‌کنیم و پاسخ می‌دهیم تا خیال هم‌وطنان برای ورود به کشور راحت باشد».

همچنان خبری از استقبال ایرانیان از بازگشت به وطن نیست و اوایل دی‌ماه وزیر امور خارجه با بیان اینکه سایت میخک آماده بارگذاری است، گفته: همه ایرانیان خارج از کشور می‌توانند اطلاعات اولیه خود را در این سامانه وارد کنند و پس از استعلام از قوه قضائیه و دستگاه‌های ذی‌ربط امنیتی به آنان پاسخ می‌دهیم که بدون هیچ مشکلی می‌توانند به ایران سفر داشته باشند و از ایران خارج شوند. او تنها شرط بازگشت به ایران را برای آنهایی که استعلامشان مشکل ندارد «رعایت همه قوانین و مقررات در مدت اقامت در ایران عنوان کرد» و افزود: «این موارد در سایت میخک در قسمت قوانین جمهوری اسلامی ایران درج شده است». فعلا خبری از آمار استقبال از سایت میخک نیست اما آنچه مسلم است، با وعده و وعید احتمال تشویق به بازگشت به کشور و جذب سرمایه‌های ایرانیان خارج‌نشین برای رونق اقتصادی کشور ناممکن است. هرچند رئیس قوه قضائیه اخیرا از مانع مهمی سخن گفته و تأکید کرده: «وضعیت فعلی در زمینه ورود ایرانیان خارج از کشور به میهن مناسب نیست. برخی افراد جرمی ندارند و می‌خواهند برگردند اما می‌ترسند و باید به آنها اطمینان داد که مشکلی برای ورود به کشور ندارند. برخی دلال‌ها و واسطه‌ها با اقدامات خود جلوی بازگشت ایرانیان خارج از کشور را گرفته‌اند».

در این بین گویا رئیسی با ضرب‌الاجلی ۶۰ روزه وارد فاز عملیاتی‌کردن وعده انتخاباتی خود شده و خواستار تهیه لایحه‌ای جامع در وزارت دادگستری است، مجلس هم به استقبال این پیشنهاد رفته و پیشنهاد همراهی با وزارت دادگستری در تهیه متن نهایی لایحه را داده است.

لایحه‌ای که قرار است حضور نماینده ایرانیان خارج‌نشین را در بهارستان به رسمیت بشناسد و ایرانیان ساکن در هرکدام از کشورهای دنیا با داشتن نماینده‌ای در مجلس هم در تصمیم‌سازی‌های کشور دخیل خواهند بود و هم پیگیری امور خود را به سهولت انجام خواهند داد، اما در کشوری که داشتن تابعیت مضاعف مورد پذیرش قانونی نیست و دوتابعیتی‌بودن به‌راحتی سبب نگاه امنیتی بر فعالیت و حضور این افراد در کشور است، انتظار برای ورود نماینده این افراد به مجلس کمی دور از ذهن است. بماند که افزایش صندلی‌های بهارستان یعنی افزایش تعداد نمایندگان مجلس، یک روند قانون‌گذاری مستقل می‌طلبد که جای بحث بسیار دارد.البته نگاه رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس در این رابطه بسیار مثبت است، جلال‌زاده با بیان اینکه وزارت امور خارجه به‌عنوان قرارگاه ایرانیان خارج از کشور جلساتی مستمر در این زمینه تشکیل داده است، گفته: شورای عالی ایرانیان خارج از کشور با حضور رئیس‌جمهور یک ماه قبل تشکیل جلسه داد و «آیت‌الله رئیسی» اعلام کردند به دور از تبلیغ و شعار قصد دارم موضوع ایرانیان خارج از کشور را پیگیری کنم. در این راستا رئیس‌جمهور بر لزوم تدوین قانون جامع ایرانیان خارج از کشور تأکید کردند. به گفته جلال‌زاده «یکی از مواد این لایحه درمورد تشکیل مجلس و گعده‌های ایرانیان در کشورهای مختلف است، براساس این ماده ایرانیان خارج از کشور می‌توانند مجلس محلی تشکیل دهند و نمایندگان مجالس محلی در مجلس شورای اسلامی حضور یابند؛ برای مثال ایرانیان حاضر در آلمان می‌توانند مجلس محلی تشکیل دهند و نماینده آنها در مجلس شورای اسلامی حضور یابد». رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس خبر داده که «شورای عالی ایرانیان پس از تدوین این لایحه تشکیل جلسه خواهد داد». جلال‌زاده با بیان اینکه کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی نیز به‌دنبال تدوین طرحی درمورد حقوق ایرانیان خارج از کشور بود، اظهار کرد: «رئیس‌جمهور تدوین این لایحه را به وزارت دادگستری محول کرد، در همان جلسه بنده پیشنهاد دادم که وزارت دادگستری به همراه کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی لایحه جامعی را درباره ایرانیان خارج از کشور تدوین کند. رئیس‌جمهور با پیشنهاد بنده موافقت کرد». عضو شورای عالی ایرانیان خارج از کشور افزود: «موضوعات مربوط به سربازی، سرمایه‌گذاری، تابعیت، شناسنامه، تحصیل، دفاع از حقوق ایرانیان در خارج از کشور از موضوعاتی است که در این لایحه بررسی شده است». فعلا جزئیاتی از لایحه در حال تدوین منتشرنشده جز تشکیل مجلس محلی ایرانیان خارج از کشور و داشتن نماینده در بهارستان که هر دو موضع بسیار حساس اما نوآورانه است و باید دید راهکار سرعت‌بخشیدن به اجرای چنین لایحه‌ای در کنار ضرب‌الاجل تهیه آن پیش‌بینی خواهد شد یا خیر، به‌هرحال بار امنیتی چنین راهکارهایی غیرقابل چشم‌پوشی است زیرا طبق قوانین فعلی ایران، یک دوتابعیتی امکان تصدی مناصب مهمی چون نمایندگی مجلس را ندارند و با توجه به تبعات فعالیت مدیران دارای تابعیت مضاعف در مسندهای مختلف از جمله نقش پررنگ برخی از آنها مانند محمود خاوری در فساد اقتصادی، سال‌هاست از ممنوعیت به اشتغال چنین مدیرانی سخن به میان آمده است.

از سویی دیگر بسیاری از ایرانیان خارج‌نشین، چه آنهایی که متولد ایران بوده‌اند و مهاجرت کرده‌اند و چه متولدین از والدین ایرانی در خارج از ایران حاضر به رد تابعیت مضاعف خود نیستند، اگر ایران مشتاق به بازگرداندن آنها به‌خصوص برای جذب سرمایه‌گذاری است، احتمالا اصلاح قانون مدنی اجتناب‌ناپذیر خواهد بود و شاید مسئله ممنوعیت داشتن تابعیت مضاعف یک بار برای همیشه رفع شود یا راهکاری برای رفع نگرانی از فعالیت اقتصادی یا رفت‌وآمد این افراد به کشور اندیشیده شود.

روزنه

کیوان صمیمی موقتا از زندان آزاد شد

● **ایلنا:** مصطفی نیلی، وکیل کیوان صمیمی از توقف اجرای حکم و آزادی موقت موکل خود خبر داد. نیلی عنوان کرد: آقای صمیمی به دلیل شرایط جسمانی و گزارش پزشکی قانونی مستند به ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی کیفری موقتا آقای صمیمی آزاد شد.

آیت‌الله صافی گلپایگانی در قم تشییع شد

● **تسنیم:** مراسم تشییع پیکر آیت‌الله صافی‌گلپایگانی از ساعت ۱۰ صبح دیروز از میدان جهاد قم به سمت حرم حضرت معصومه (س) با حضور رئیس جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دادستان کل کشور، رئیس حوزه‌های علمیه، امام جمعه موقت تهران، مردم عزادار قم و جمعی از شخصیت‌های کشوری، لشکری و استانی آغاز شد. هیئت دولت دیروز را به مناسبت تشییع این عالم بزرگوار در سراسر کشور عزای عمومی اعلام کرده بود.

مدیرمسئول نشریه سمات:

انقلاب در حرکت تدریجی از آرمان‌هایش فاصله گرفت

● **خبرآنلاین:** مهدی نصیری، مدیرمسئول نشریه سمات، عنوان کرد: انقلاب ۵۷ که محصول بی‌تدبیری و حکمرانی سرکوبگرانه و غیرمردم‌سالارانه رژیم پهلوی و سرشار از وعده‌ها و شعارهای جذاب و دینی و مردم‌پسند بود، از آغاز تبدیل‌شدن به نظام، در حرکت تدریجی از آرمان‌ها و شعارهایش فاصله گرفت و اکنون انواع و اقسام چالش‌ها را برای خود و بحران‌ها را برای مردم بر جای گذاشته است. او افزود: باوجوداین همچنان فرصت و راه اصلاح برای آن باز است و می‌تواند با بازنگری و بازخوانی گذشته با اتکای به خرد جمعی راهی جدید بگشاید و ایران را در مسیر پیشرفت مادی و معنوی قرار دهد. نصیری در ادامه گفت: انبوهی از وعده‌های داده‌شده و چک‌های نقدنشده بر روی دست حاکمان و مردم مانده است. آنان که مایل‌اند در سالگرد انقلاب همچنان حماسه‌سرایی کنند و چشم بر روی این‌همه ضعف و عقب‌ماندگی ببندند، خود دانند؛ اما بسیاری از نخبگان و کارشناسان و روحانیان و عالمان و نیز انقلابیون باسابقه اکنون نگران و مغموم و افسرده‌اند و به هر عرصه‌ای که نگاه می‌کنند، نابسامانی و ضعف و ناکارآمدی می‌بینند و بدتر از همه گوش شنوایی در میان حاکمان برای شنیدن نمی‌یابند.

فعال سیاسی اصولگرا:

مردم می‌گویند با ورود «مجلس انقلابی» وضعیت معیشت بدتر شد

● ابوالفضل قناعتی، فعال سیاسی اصولگرا، گفت: مردم عملکرد مجلس را با سفره خود مقایسه می‌کنند. مردم از برخی مسائل پشت پرده کشور بی‌خبر هستند و اطلاع کاملی از وضعیت بد اقتصادی پیش‌آمده به دلیل برخی فشارهای خارجی ندارند، به‌همین‌دلیل مجلس فعلی را بی‌توجه به وضعیت معیشت خود فرض می‌کنند. آنها با خود می‌گویند چرا با ورود «مجلس انقلابی» وضعیت سفره معیشتی آنها بدتر شد. او با اشاره به جوان‌بودن نمایندگان مجلس افزود: یک نماینده مجلس باید حداقل ۲۰ سال کار اجرائی کرده باشد تا براساس تجارب خود بتواند در جایگاه تصمیم‌گیری و قانون‌گذاری قرار بگیرد. بخشی از جوانان حاضر در پارلمان سابقه اجرائی ندارند و باید از ظرفیت آنها در وزارتخانه‌های مختلف استفاده می‌شد. قناعتی درخصوص آشناکردن مردم با جهت‌های گوناگون اصولگرایان در انتخابات ۱۴۰۲ عنوان کرد: آشناکردن مردم با اندیشه‌های مختلف جریان اصولگرا از هم‌اکنون برای مشارکت بیشتر ایشان در انتخابات سال ۱۴۰۲ امری پسندیده است؛ اما این دست فعالیت‌های سیاسی نباید خللی در حرکت دولت فعلی و جریان سیاسی موجود ایجاد کند.

دبیرکل حزب اسلامی کار:

اکثر جامعه امروز نزدیک به خط فقر یا زیر خط فقر است

● **ایلنا:** حسین کمال، دبیر کل حزب اسلامی کار، عنوان کرد: بعضی از اصلاح‌طلبان بر این باور هستند که چون نسبت به طبقات ضعیف و فقیر کم‌توجهی شده، جامعه تمایلش را به این جناح از دست داده است. او افزود: بزرگ‌ترین مشخصه جریان اصلاحات که در ادامه جریان خط امام محسوب می‌شود، حمایت از طبقات ضعیف و فقیر بود. این در حالی است که دبیرکل یکی از احزاب اصلاح‌طلب گفته است ما نماینده طبقه متوسط هستیم و طبقات ضعیف و فقیر را نمایندگی نمی‌کنیم. با توجه به اینکه اکثر جامعه امروز نزدیک به خط فقر یا زیر خط فقر است، به‌صورت خودجوش اعلام می‌کند که با اکثریت جامعه قطع ارتباط کرده‌ایم. این خود عامل بزرگی برای ایجاد فاصله بین اصلاح‌طلبان و جامعه است.